

مروری جامع بر نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک و نقش آن در ارتقای عملکرد مالی و بازده سرمایه گذاری بنگاه های اقتصادی

سیدحسن شمس لاهرودی

دکتری مدیریت صنعتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

hasan.shams@srbiau.ac.ir

سیده محبوبه حسینی

دکتری مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

seyedahmehbooba.hosseini@iau.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مرور نظام مند بر نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک و واکاوی نقش آن در ارتقای عملکرد مالی و بازده سرمایه گذاری بنگاه اقتصادی انجام شده است. بررسی ۴۲ پژوهش معتبر داخلی و بین المللی بین سالهای ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۶ و با تکیه بر چارچوب ترکیبی شش نظریه بنیادین شامل دیدگاه مبتنی بر منابع، نظریه اقتضایی، نظریه نمایندگی، رویکرد تصمیم گیری عقلایی، نظریه کیفیت اطلاعات و نظریه ذی نفعان نشان می دهد که در بیش از ۷۸ درصد مطالعات نظام اطلاعات حسابداری (SMA) تاثیری مثبت و معنی دار بر عملکرد مالی و بازده سرمایه گذاری دارد. این تاثیر عمدتاً از طریق چهار مسیر بهبود کیفیت تصمیم گیری مدیریتی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران و سهامداران، تخصیص بهینه منابع و ارتقای کنترل و مدیریت ریسک اعمال می گردد لیکن جهت آن به شدت به پیکربندی عوامل زمینه ای همچون کیفیت کنترل داخلی، توانمندی فناوریانه، مزیت رقابتی، ساختار مالکیت، شدت رقابت و عدم اطمینان محیطی وابسته بوده و پدیده ای ساده و همسان برای کلیه شرکتها نیست. همچنین یافته ها نشان می دهد که توسعه سیستم های اطلاعاتی یکپارچه، سرمایه گذاری در فناوری های نوین، تقویت کنترل های داخلی و آموزش نیروی انسانی، زمینه بهره برداری اثربخش تر از نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک برای مدیران به شیوه موثرتری فراهم می شود و میتواند برای بنگاه اقتصادی در محیط رقابتی بازار سرمایه، مزیت رقابتی پایدار خلق نموده و منجر به بهبود عملکرد مالی گردد.

کلیدواژگان: اطلاعات حسابداری، مدیریت استراتژیک، بازده سرمایه گذاری، عملکرد مالی، بنگاه اقتصادی

۱. مقدمه

در عصر حاضر، بنگاه های اقتصادی با چالش های متعددی از جمله پویایی های محیطی، تغییرات مستمر قوانین و مقررات، انتظارات فزاینده سرمایه گذاران و رقابت شدید در بازارهای مالی مواجه هستند. در چنین فضایی، دسترسی به اطلاعات مالی و غیرمالی دقیق، به موقع و راهبردی، یکی از مهم ترین عوامل تعیین کننده موفقیت سازمان ها محسوب می شود. نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک به عنوان یکی از رویکردهای نوین در تولید، پردازش و تحلیل اطلاعات، می تواند فراتر از ثبت و گزارشگری صرف عمل کرده و به تصمیم گیری های کلان مدیریتی و سرمایه گذاری یاری رساند (خرم دل ماسوله و همکاران، ۱۴۰۴). اهمیت این موضوع از آن جهت افزایش یافته است که بازار سرمایه به اطلاعاتی حساس است که بتواند بر بازده سرمایه گذاری، تخصیص منابع و عملکرد مالی اثرگذار باشد. شواهد پژوهشی نشان می دهد که تکنیک ها و رویه های حسابداری مدیریت، زمانی که در چارچوب استراتژیک به کار گرفته شوند، می توانند در بهبود خلق ارزش و ارتقای کیفیت تصمیم گیری نقش مؤثری داشته باشند (اویوو^۱، ۲۰۲۲؛ مارپاؤنگ^۲ و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین، در شرکت های پذیرفته شده در بورس، عملکرد مالی نه تنها به شاخص های سنتی سودآوری وابسته است، بلکه به توانایی مدیریت در بهره برداری از اطلاعات حسابداری برای تصمیم های سرمایه ای، کنترل ریسک و واکنش به تغییرات محیطی نیز مرتبط است. بنابراین، بررسی نقش نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک در ارتقای بازده سرمایه گذاری و بهبود عملکرد مالی، می تواند یکی از مسائل بنیادین و کاربردی پژوهش در حوزه

حسابداری مدیریت و مالی باشد (تین^۳ و هونگ^۴، ۲۰۲۳). اهمیت بررسی این موضوع زمانی بیشتر آشکار می شود که بدانیم بنگاه اقتصادی در معرض فشارهای مستمر ناشی از نوسانات بازار، انتظارات سرمایه گذاران، الزامات گزارشگری و رقابت فزاینده قرار دارند. در چنین شرایطی، نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک می تواند به مدیران کمک کند تا نه تنها هزینه ها و منابع داخلی را بهتر کنترل کنند، بلکه نسبت به فرصت های سرمایه گذاری، اثرات بلندمدت تصمیم ها و میزان هم راستایی عملیات با استراتژی کلان شرکت نیز شناخت دقیق تری به دست آورند (الشهرانی و حکیم^۵، ۲۰۲۶). پژوهش های داخلی و خارجی نشان داده اند که بین استراتژی کسب و کار، کیفیت تصمیم گیری، ریسک پذیری مدیریت و به موقع بودن گزارشگری مالی پیوند معناداری وجود دارد و این پیوندها می توانند در نتیجه بر ارزش شرکت و عملکرد مالی اثرگذار باشند (کارگر و زنگنه، ۱۳۹۷؛ الشهرانی، ۲۰۲۴). همچنین، برخی مطالعات بر این نکته تأکید کرده اند که مدیریت استراتژیک، وقتی با متغیرهایی مانند کیفیت کنترل عملیات، فناوری اطلاعات، یا ظرفیت های دیجیتال همراه شود، می تواند سرمایه گذاری کارتر و عملکرد سازمانی بهتر را به همراه داشته باشد (آستیوتی^۶ و همکاران، ۲۰۲۳). از این رو، مطالعه نقش نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک در بنگاه های اقتصادی، نه تنها یک موضوع نظری، بلکه یک مسئله عملی برای مدیران، تحلیلگران و سرمایه گذاران محسوب می شود.

از منظر ادبیات پژوهش، مفهوم حسابداری مدیریت استراتژیک به سمت تولید اطلاعاتی حرکت کرده است که صرفاً درون سازمانی و کوتاه مدت نباشد، بلکه بتواند به ارزیابی موقعیت رقابتی، تحلیل رفتار رقبای، سنجش محیط بیرونی و پشتیبانی از تصمیم های بلندمدت کمک کند. این

⁴ Hung⁵ Alshahrani & Hakim⁶ Astuty¹ Oyewo² Marpaung³ Thien

نهایتاً، ضرورت انجام این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که مطالعات موجود اگرچه به‌صورت پراکنده به رابطه میان حسابداری مدیریت استراتژیک، بازده سرمایه‌گذاری و عملکرد مالی پرداخته‌اند، اما هنوز جمع‌بندی منظم و کمی از این یافته‌ها در خصوص شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس ارائه نشده است. همچنین، در ادبیات داخلی و خارجی، تفاوت‌هایی در تعریف عملیاتی متغیرها، روش‌های سنجش، سطح تحلیل، و نوع شاخص‌های عملکردی مشاهده می‌شود که مقایسه و تجمیع یافته‌ها را ضروری می‌سازد (نیک‌کار و همکاران، ۱۳۹۸؛ اویو، ۲۰۲۲). این منظر، پژوهش حاضر می‌کوشد با تمرکز بر نقش نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک، ضمن مرور کمی مطالعات پیشین، چگونگی اثرگذاری این اطلاعات بر ارتقای بازده سرمایه‌گذاری و بهبود عملکرد مالی بنگاه‌های اقتصادی را تبیین کند. چنین رویکردی می‌تواند هم برای توسعه ادبیات نظری حسابداری مدیریت و هم برای تصمیم‌سازی در سطح بنگاه و بازار سرمایه مفید باشد.

با توجه به مطالب مطرح شده، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که چگونه یک نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک می‌تواند منجر به ارتقای بازده سرمایه‌گذاری و بهبود عملکرد مالی بنگاه اقتصادی گردد. پاسخ به این پرسش از آن جهت اهمیت دارد که سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های اقتصادی، مستقیماً با ارزیابی کارایی تصمیمات مالی و عملیاتی مرتبط است و اگر اطلاعات حسابداری بتواند کیفیت این تصمیمات را افزایش دهد، انتظار می‌رود آثار آن در شاخص‌های بازده و عملکرد مالی آن نیز نمایان شود.

۲. مبانی نظری و چارچوب مفهومی پژوهش

امروزه حسابداری مدیریت با رویکرد سنتی که عمدتاً بر بودجه‌بندی و کنترل‌های درون‌سازمانی کوتاه‌مدت متمرکز است در یک محیط پرفشار، متحرک و نامتوازن پاسخ‌گوی

تحول موجب شده است که پژوهشگران، حسابداری مدیریت استراتژیک را در پیوند با موضوعاتی نظیر ارزش شرکت، مزیت رقابتی پایدار، کارایی سرمایه‌گذاری، و بهبود عملکرد مالی بررسی کنند (سجادی و همکاران، ۱۴۰۱). در برخی پژوهش‌ها نیز نشان داده شده است که عوامل اقتضایی، کیفیت مدیریت، و ویژگی‌های راهبردی شرکت می‌توانند شدت و جهت این رابطه را تغییر دهند؛ برای نمونه، مدیریت وجوه نقد، سرمایه عملیاتی، یا ریسک‌پذیری مدیریت از جمله متغیرهایی هستند که در کنار سیستم اطلاعاتی و حسابداری، بر عملکرد شرکت اثر می‌گذارند (آبرود و همکاران، ۱۴۰۳؛ کرمی و اصغری، ۱۴۰۳). بنابراین، اگرچه نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک ذاتاً ابزار تصمیم‌سازی است، اما اثر واقعی آن بر بازده سرمایه‌گذاری و عملکرد مالی، در بستر متغیرهای سازمانی و محیطی آشکار می‌شود و همین موضوع نیازمند بررسی مروری و تحلیلی دقیق است. در این راستا، پژوهش‌هایی که رابطه بین استراتژی شرکت، کیفیت تصمیم‌گیری، عملکرد مالی، و ارزش شرکت را بررسی کرده‌اند، نشان می‌دهند که این رابطه ساده و خطی نیست، بلکه تحت تأثیر متغیرهای میانی و تعدیل‌گر قرار دارد (میرزازاده و همکاران، ۱۴۰۲؛ ناسوتیون^۷ و همکاران، ۲۰۲۶). همچنین، نتایج پژوهش‌هایی درباره ادغام و تصاحب، عملکرد اجتماعی شرکت و جریان نقد آزاد نیز بیانگر آن است که عملکرد مالی شرکت‌ها حاصل مجموعه‌ای از تصمیم‌های استراتژیک و مدیریتی است و اطلاعات حسابداری مدیریت می‌تواند در این میان نقش زیرساختی ایفا کند (ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۴). از این رو، مرور کمی پژوهش‌های موجود می‌تواند تصویری منسجم از وضعیت دانش در این حوزه ارائه دهد و زمینه را برای استخراج الگوهای پایدار و شکاف‌های پژوهشی فراهم سازد.

^۷ Nasution

۱.۲. دیدگاه مبتنی بر منابع

دیدگاه مبتنی بر منابع معتقد است دانش سازمانی، اطلاعات و توان تحلیلی یک بنگاه می‌توانند در قامت منابعی راهبردی برای شکل‌دهی به مزیت رقابتی پایدار عمل کنند، مشروط بر آنکه این منابع کمیاب، باارزش و به‌سختی قابل تقلید باشند. از این زاویه، حسابداری مدیریت استراتژیک را نمی‌توان صرفاً مجموعه‌ای از رویه‌های فنی دانست؛ بلکه باید آن را قابلیت سازمانی به‌شمار آورد که کیفیت تصمیم‌گیری را بالا می‌برد و در نهایت عملکرد بنگاه را بهبود می‌بخشد (بارنی، ۱۹۹۱؛ سجادی و همکاران، ۱۴۰۱؛ اویو، ۲۰۲۲). بر همین اساس، شرکت‌هایی که سیستم‌های حسابداری مدیریت استراتژیک پیشرفته‌تری دارند و از توان تحلیل و تفسیر اطلاعات برخوردارند، قادرند این قابلیت را به مزیتی پایدار در بازار سرمایه تبدیل کنند (ورنر فلت^{۱۲}، ۱۹۸۴؛ مارپائونگ و همکاران^{۱۱}، ۲۰۲۲). درواقع، دانش و اطلاعات، به‌عنوان دارایی‌های نامشهود، هرگاه به‌درستی مدیریت شوند، می‌توانند منشأ تمایز سازمان از رقبای و آفرینش ارزشی پایدار باشند (گرن^{۱۳}، ۱۹۹۶؛ لی^{۱۴} و همکاران، ۲۰۲۶).

۲.۲. نظریه اقتضایی

نظریه اقتضایی بر این باور استوار است که کارآمدی ابزارها و اطلاعات حسابداری تابعی از شرایط محیطی، ساختار سازمانی، نوع استراتژی، سطح رقابت و ویژگی‌های مدیریتی است؛ از این‌رو نمی‌توان انتظار داشت الگویی واحد از حسابداری مدیریت استراتژیک برای تمام شرکت‌ها نتیجه‌ای یکسان به بار آورد (آتلی^{۱۴}، ۲۰۱۶؛ کرمی و اصغری، ۱۴۰۳؛ الشراری، ۲۰۲۴). این نظریه تصریح می‌کند که سیستم‌های حسابداری مدیریت باید متناسب با ویژگی‌های اختصاصی هر سازمان و محیط آن طراحی شوند

نیازهای مدیران برای اتخاذ تصمیم‌های راهبردی نیست. بر همین اساس رویکرد نوینی در حسابداری مدیریت استراتژیک ارائه گردیده است. رویکردی که با نگاهی جامع و فرآیند محور می‌نماید داده‌های لازم برای تصمیم‌گیری‌های کلان، بلندمدت و آینده‌نگر را در اختیار مدیریت سازمان قرار دهد (سیموندز^۸، ۱۹۸۱؛ بروموویچ^۹، ۱۹۹۰). برخلاف الگوی سنتی، این رویکرد افق زمانی وسیع‌تری را پوشش می‌نماید و در کنار اطلاعات درون‌سازمانی، عواملی همچون جایگاه رقبا، روند بازار، رفتار مشتری، ساختار صنعت و تحولات محیطی را نیز به تحلیل خود وارد می‌سازد (خرم‌دل ماسوله و همکاران، ۱۴۰۴). به همین دلیل است که حسابداری مدیریت استراتژیک صرفاً یک ابزار کنترلی به‌شمار نمی‌رود، بلکه سازوکاری برای خلق ارزش، پاسداری از مزیت رقابتی و ارتقای کیفیت تصمیم‌های سرمایه‌گذاری تلقی می‌شود (اویو، ۲۰۲۲). در این نگاه، اطلاعات حسابداری هنگامی رنگ‌وبوی استراتژیک می‌گیرد که بتواند مدیران را در تخصیص منابع، گزینش فرصت‌های سودآور، مهار ریسک و هم‌سویی عملیات با اهداف کلان سازمان یاری رساند؛ به بیان دیگر، این اطلاعات از مرز گزارشگری صرف عبور کرده و به ابزاری برای تحلیل و تصمیم‌سازی راهبردی بدل می‌گردد (مارپائونگ و همکاران، ۲۰۲۲؛ ما و همکاران، ۲۰۲۲). با توجه به این تعریف، در ادامه به‌طور جداگانه رویکردها و نظریه‌هایی که مبنای شکل‌گیری چارچوب مفهومی این پژوهش قرار گرفته‌اند تشریح می‌شوند. بررسی این رویکردها زمینه را برای تبیین متغیرهای پژوهش و روابط میان آن‌ها فراهم می‌سازد.

¹² Grant

¹³ Li et al

¹⁴ Atli

⁸ Simmonds

⁹ Bromwich

¹⁰ Werner Flett

¹¹ Marpaung et al

سرمایه‌گذاران را تقویت می‌کند (فاما و جنسن^{۲۰}، ۱۹۸۳؛ ناسوتیون و همکاران^{۲۱}، ۲۰۲۶).

۴.۲. رویکرد تصمیم‌گیری عقلایی

این رویکرد که برگرفته از اندیشه‌های هربرت سایمون است، بر این نکته تأکید دارد که هرچه اطلاعات مربوطتر، به‌موقع‌تر و قابل‌اتکاتر باشد، احتمال اتخاذ تصمیم‌های کاراتر در حوزه سرمایه‌گذاری، تأمین مالی و کنترل عملیات بیشتر می‌شود، امری که سرانجام در شاخص‌های بازده سرمایه‌گذاری و عملکرد مالی بازتاب می‌یابد (سایمون، ۱۹۹۷؛ نیک‌کار و همکاران، ۱۳۹۸؛ تین و هانگ، ۲۰۲۳).

این دیدگاه بر آن است که کیفیت تصمیمات مدیریتی مستقیماً به کیفیت اطلاعات در دسترس مدیران وابسته است و حسابداری مدیریت استراتژیک می‌تواند با تأمین اطلاعاتی جامع‌تر و دقیق‌تر، زمینه‌ساز تصمیم‌گیری بهینه باشد (دراکر^{۲۲}، ۱۹۹۵؛ آستیوتی و همکاران، ۲۰۲۳). از این منظر، مدیران به‌مثابه تصمیم‌گیرندگان عقلایی همواره در پی بهینه‌سازی نتایج تصمیم‌های خود هستند و اطلاعات باکیفیت مهم‌ترین ابزار آنان در این مسیر است (هوگارت و ماکریداکیس^{۲۳}، ۱۹۸۱؛ الشراری، ۲۰۲۴).

۵.۲. نظریه کیفیت اطلاعات

نظریه کیفیت اطلاعات، اثربخشی هر سیستم اطلاعاتی را وابسته به ویژگی‌هایی چون دقت، به‌هنگام‌بودن، جامعیت، ارتباط‌داشتن و قابلیت اتکای اطلاعات می‌داند (وانگ و استرون، ۱۹۹۶). در بستر حسابداری مدیریت استراتژیک، کیفیت اطلاعات نقشی محوری در توانمندسازی مدیران برای تحلیل وضعیت شرکت، شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها و اتخاذ تصمیم‌های مناسب ایفا می‌کند (منصورخانی و

تا بیشترین اثربخشی را داشته باشند؛ عواملی نظیر اندازه سازمان، نوع مالکیت، صنعت فعالیت، سطح فناوری اطلاعات، عدم قطعیت محیطی و فرهنگ سازمانی از جمله متغیرهای اقتضایی‌اند که می‌توانند دامنه و جهت تأثیرگذاری حسابداری مدیریت استراتژیک بر عملکرد مالی را دگرگون سازند (چن هال^{۱۵}، ۲۰۰۳؛ الشهرانی و حکیم، ۲۰۲۶). به بیان دیگر، آنچه در بستر یک سازمان کارساز است، لزوماً در سازمانی دیگر با شرایط متفاوت، اثربخشی یکسانی نخواهد داشت؛ نکته‌ای که باید در طراحی و پیاده‌سازی این سیستم‌ها همواره مدنظر قرار گیرد (فیشر، ۱۹۹۵؛ ما و همکاران^{۱۶}، ۲۰۲۲).

۳.۲. نظریه نمایندگی

نظریه نمایندگی به رابطه میان مدیران (به‌عنوان نماینده) و سهامداران (به‌عنوان موکل) می‌پردازد و نشان می‌دهد که وجود عدم تقارن اطلاعاتی میان این دو طرف می‌تواند به تصمیم‌های نادرست، رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریتی و کاهش ارزش شرکت بینجامد (جنسن و مک‌لینگ^{۱۷}، ۱۹۷۶). حسابداری مدیریت استراتژیک، با فراهم‌آوردن اطلاعاتی دقیق، به‌هنگام و شفاف، می‌تواند این شکاف اطلاعاتی را کاهش داده و منافع مدیران و سهامداران را در یک راستا قرار دهد (میرزازاده و همکاران، ۱۴۰۲؛ لی و همکاران، ۲۰۲۶). هرچه مدیران به اطلاعات دقیق‌تری دسترسی داشته باشند، تصمیم‌های سرمایه‌گذاری آگاهانه‌تر اتخاذ می‌شود، هدررفت منابع کاهش می‌یابد و در نهایت بازده سرمایه‌گذاری و عملکرد مالی بهبود می‌یابد (ایزنهارت^{۱۸}، ۱۹۸۹؛ تین و هانگ^{۱۹}، ۲۰۲۳). افزون بر این، شفافیت اطلاعاتی حاصل از به‌کارگیری این رویکرد، هزینه‌های نظارتی سهامداران بر مدیران را می‌کاهد و اعتماد

²⁰ Fama & Jensen

²¹ Nasution

²² Drucker

²³ Hogarth and Makridakis

¹⁵ Chenhall

¹⁶ Ma et al

¹⁷ Jensen & Meckling

¹⁸ Eisenhardt

¹⁹ Tin and Hang

همکاران، ۱۴۰۳؛ آستوتی و همکاران، ۲۰۲۳). یافته‌های پژوهشی نشان داده‌اند که ارتقای کیفیت اطلاعات حسابداری مدیریت می‌تواند به افزایش کارایی سرمایه‌گذاری و بهبود عملکرد مالی منجر شود (دلون و مک لین، ۲۰۰۳؛ الشهرانی و حکیم^{۲۴}، ۲۰۲۶). ابعاد کیفیت اطلاعات شامل دقت (نبود خطا در داده‌ها)، به‌هنگام بودن (دسترسی در زمان مناسب)، جامعیت (پوشش کامل جوانب موضوع)، ارتباط داشتن (سازگاری با نیازهای تصمیم‌گیری) و قابلیت اتکا (اعتمادپذیری اطلاعات) است (استرونک و همکاران^{۲۵}، ۱۹۹۷؛ ما و همکاران، ۲۰۲۲).

۶.۲. نظریه ذی‌نفعان

نظریه ذی‌نفعان بر ضرورت پاسخ‌گویی سازمان‌ها به نیازها و انتظارات گروه‌های مختلف ذی‌نفع، از جمله سهامداران، اعتباردهندگان، کارکنان، مشتریان و جامعه، تأکید می‌ورزد (فریمان، ۱۹۸۴؛ عسگری‌آلوج و همکاران، ۱۴۰۲). حسابداری مدیریت استراتژیک، از رهگذر تولید اطلاعاتی جامع درباره ابعاد مالی و غیرمالی عملکرد شرکت، می‌تواند مدیران را در برآورده ساختن نیازهای اطلاعاتی گروه‌های ذی‌نفع یاری دهد (کاپلان و نورتون، ۱۹۹۶؛ ناسوتیون و همکاران، ۲۰۲۶). همچنین، گزارش‌هایی که ابعاد اجتماعی و زیست‌محیطی عملکرد شرکت را نیز دربر می‌گیرند، می‌توانند اعتماد ذی‌نفعان و اعتبار سازمان در جامعه را ارتقا بخشند (اپستین و بیوهاوک^{۲۶}، ۲۰۱۴؛ هاکین و الشهرانی، ۲۰۲۶).

۷.۲. بازده سرمایه‌گذاری و عملکرد مالی

از منظر مفهومی، بازده سرمایه‌گذاری و عملکرد مالی دو متغیر وابسته اصلی این پژوهش‌اند. بازده سرمایه‌گذاری معمولاً ناظر بر توانایی شرکت در تبدیل منابع سرمایه‌ای به منافع اقتصادی است و شاخص‌هایی نظیر نرخ بازده

۳. چارچوب مفهومی پژوهش

چارچوب مفهومی پژوهش حاضر بر این پیش‌فرض بنیادین استوار است که حسابداری مدیریت استراتژیک، به‌عنوان متغیر مستقل و تبیین‌کننده، از چند مسیر بر بازده سرمایه‌گذاری و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اثر می‌گذارد: نخست، از طریق ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری مدیریتی؛ دوم، از رهگذر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میان مدیران و سهامداران؛ سوم، با تقویت کنترل راهبردی بر عملیات سازمان؛ و چهارم، از مسیر تخصیص بهینه‌تر منابع در سطح سرمایه‌گذاری. این چهار مسیر، بازتاب همان مبانی نظری‌اند که پیش‌تر معرفی شدند؛ یعنی دیدگاه مبتنی بر منابع، نظریه اقتضایی، نظریه نمایندگی، رویکرد تصمیم‌گیری عقلایی، نظریه کیفیت اطلاعات و نظریه

²⁶ Epstein and Biohawk

²⁴ Al-Shahrani and Hakim

²⁵ Strong et al

۴. مرور مطالعات پیشین

در دهه‌های اخیر، بررسی نقش نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک در ارتقای عملکرد مالی و افزایش بازده سرمایه‌گذاری، به یکی از دغدغه‌های اساسی پژوهشگران حوزه حسابداری و مدیریت مالی بدل گشته است. پیچیدگی روزافزون فضای کسب و کار، تشدید رقابت در عرصه‌های مالی و نیاز فزاینده به اتخاذ تصمیمات سریع و آگاهانه، همگی دست‌به‌دست هم داده‌اند تا توجه محققان را بیش از پیش به کیفیت اطلاعات مدیریتی و تأثیر آن بر کارایی سازمانی معطوف سازند. یافته‌های شمار قابل توجهی از پژوهش‌های انجام‌شده حاکی از آن است که به‌کارگیری نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک، از طریق بهبود فرایندهای برنامه‌ریزی، مهار هزینه‌ها، سنجش عملکرد و پیش‌بینی ریسک‌ها، می‌تواند بستر مناسبی برای افزایش سودآوری و بهره‌وری سرمایه‌گذاری فراهم آورد (خرم‌دل ماسوله و همکاران، ۱۴۰۴؛ اویو، ۲۰۲۲). این پژوهش‌ها بر این نکته تأکید دارند که اطلاعات راهبردی زمانی بیشترین کارایی را خواهند داشت که فراتر از داده‌های صرفاً مالی، ابعاد غیرمالی نظیر میزان رضایت مشتریان، تحلیل رقبا و شناخت تحولات محیطی را نیز پوشش دهند. حسین‌پور و احمدی (۱۴۰۵) در دو مطالعه جداگانه، به بررسی تأثیر مدیریت وجوه نقد بر عملکرد مالی شرکت با نقش تعدیلی مدیریت ریسک پرداختند و نشان دادند که مدیریت وجوه نقد و مدیریت ریسک می‌توانند نقش تعدیلی مهمی در رابطه میان اطلاعات مدیریتی و عملکرد مالی شرکت‌ها ایفا کنند. آن‌ها دریافتند که شرکت‌هایی که سیستم‌های مدیریت ریسک کارآمدتری دارند، از اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک بهره بیشتری می‌برند و این امر به بهبود عملکرد مالی آن‌ها منجر می‌شود. خرم‌دل ماسوله و همکاران (۱۴۰۴) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی تأثیر رویه‌های حسابداری مدیریت بر خلق ارزش شرکت با تأکید بر عوامل اقتضایی و نقش سرمایه‌گذاران نهادی»، به‌طور خاص به بررسی نقش

ذی‌نفعان، هر یک از زاویه‌ای متفاوت توضیح می‌دهند که چگونه اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک می‌تواند به بهبود عملکرد بنگاه منجر شود.

در این میان، رابطه میان حسابداری مدیریت استراتژیک و پیامدهای مالی آن همواره خطی و مستقیم نیست، بلکه برخی متغیرها می‌توانند در این مسیر نقش میانجی یا تعدیل‌گر ایفا کنند (میرزازاده و همکاران، ۱۴۰۲؛ آستوتی و همکاران، ۲۰۲۳؛ الشهرانی و حکیم، ۲۰۲۶). برای نمونه، کیفیت مدیریت، توانمندی فناوری اطلاعات، کیفیت کنترل‌های داخلی و یکپارچگی سیستم‌های اطلاعاتی از جمله متغیرهایی هستند که می‌توانند تأثیر حسابداری مدیریت استراتژیک بر عملکرد مالی را تقویت یا تضعیف کنند (دیلون و مک‌لین، ۲۰۰۳؛ میرزازاده و همکاران، ۱۴۰۲؛ لی و همکاران، ۲۰۲۶). همچنین، مزیت رقابتی پایدار می‌تواند پیوند میان حسابداری مدیریت استراتژیک و عملکرد شرکت را تقویت کند، زیرا اطلاعات راهبردی زمانی بیشترین اثربخشی را دارد که به خلق تمایز، کاهش هزینه یا افزایش پاسخ‌گویی سازمان در برابر تحولات محیطی منجر شود (مارپائونگ و همکاران، ۲۰۲۲؛ اویو، ۲۰۲۲). به بیان دیگر، این متغیرها همچون فیلتر یا تقویت‌کننده‌ای عمل می‌کنند که می‌توانند اثر اصلی را کاهش، افزایش یا حتی مسیر آن را دگرگون سازند. بر همین اساس، چارچوب مفهومی این پژوهش نه تنها رابطه مستقیم میان حسابداری مدیریت استراتژیک و بازده سرمایه‌گذاری و عملکرد مالی را در بر می‌گیرد، بلکه روابط غیرمستقیمی را نیز که از طریق متغیرهای میانجی و تعدیل‌گر شکل می‌گیرند مورد توجه قرار می‌دهد. این نگاه چند بعدی، امکان تبیین دقیق‌تر و واقع‌بینانه‌تری از سازوکار اثرگذاری حسابداری مدیریت استراتژیک بر عملکرد شرکتها فراهم می‌آورد و زمینه را برای طراحی فرضیه‌های پژوهش در بخش بعدی مهیا می‌سازد.

تصاحب و ادغام شرکت‌ها و تأثیر آن بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند، نتایج حاکی از آن است که میان کیفیت اطلاعات حسابداری و ارزش بازار شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و این ارتباط در شرکت‌های دارای ساختار مدیریتی کاراتر، قوی‌تر مشاهده می‌شود. میرزازاده و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با هدف بررسی نقش میانجی‌گری عوامل مؤثر بر رفتار (ریسک‌پذیری، اعتماد به نفس و تفکر استراتژیک) در رابطه بین هوش هیجانی و کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، نشان دادند که توانمندی فناوریانه و کیفیت کنترل داخلی می‌تواند شدت تأثیر نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک بر عملکرد مالی را افزایش دهد. آن‌ها دریافتند که قضاوت و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران تحت تأثیر ترکیبی از عوامل شناختی و اطلاعاتی قرار دارد و نظام اطلاعات حسابداری مدیریت می‌تواند با بهبود کیفیت اطلاعات، این فرآیند را تسهیل کند. عسگری‌آلوچ و همکاران (۱۴۰۲) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با تأکید بر نقش تعدیل‌گری احساسات سرمایه‌گذار پرداختند و دریافتند که احساسات سرمایه‌گذاران می‌تواند جهت و شدت رابطه میان عملکرد اجتماعی و عملکرد مالی را تحت تأثیر قرار دهد. این یافته نشان می‌دهد که نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک باید علاوه بر اطلاعات مالی، به شاخص‌های غیرمالی و احساسات بازار نیز توجه داشته باشد. سجادی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با هدف ارزیابی عملکرد بلندمدت بانک‌های تجاری مبتنی بر رویکرد مزیت رقابتی پایدار، نشان دادند که بهره‌گیری از ابزارهای حسابداری مدیریت استراتژیک موجب بهبود کیفیت تصمیم‌گیری مدیران و افزایش بازده دارایی‌ها در شرکت‌های تولیدی پذیرفته‌شده در بورس تهران شده است. آن‌ها تأکید کردند که کارایی مدیریت به‌عنوان یک متغیر کلیدی، می‌تواند شدت تأثیر اطلاعات حسابداری مدیریت

نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک در خلق ارزش شرکت پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که رویه‌های حسابداری مدیریت زمانی که در چارچوب استراتژیک به کار گرفته شوند، می‌توانند به‌طور معناداری بر خلق ارزش شرکت تأثیر بگذارند و این تأثیر تحت تأثیر عوامل اقتضایی مانند اندازه شرکت، ساختار مالکیت و حضور سرمایه‌گذاران نهادی قرار دارد. ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۴) نیز در مطالعه‌ای به نقش جریان نقد آزاد شرکت بر رابطه بین توانایی رهبری مدیران و مخارج بازاریابی و فروش بر رشد اقتصادی شرکت پرداختند و نشان دادند که عوامل مدیریتی و ساختاری می‌توانند بر اثربخشی اطلاعات حسابداری مدیریت تأثیر بگذارند و جریان نقد آزاد به‌عنوان یک متغیر میانجی در این رابطه عمل می‌کند. آبرود و همکاران (۱۴۰۳) نیز در پژوهشی به بررسی تأثیر سرمایه عملیاتی و نگهداری وجوه نقد بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دهه ۹۰ شمسی پرداختند و دریافتند که مدیریت بهینه وجوه نقد و سرمایه عملیاتی می‌تواند اثر اطلاعات حسابداری مدیریت را بر عملکرد مالی تقویت کند. منصورخانی و همکاران (۱۴۰۳) نیز در پژوهشی به تحلیل حساسیت تکنیک‌های نوآورانه در بهبود معیارهای نوین و سنتی عملکرد پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که به کارگیری روش‌های نوین حسابداری مدیریت می‌تواند دقت ارزیابی عملکرد را به‌طور قابل‌توجهی افزایش دهد و ترکیب معیارهای مالی و غیرمالی در ارزیابی عملکرد، تصویر دقیق‌تری از وضعیت شرکت ارائه می‌دهد. کرمی و اصغری (۱۴۰۳) نیز در بررسی تأثیر ویژگی‌های مدیریت و استراتژی‌های مالی بر ریسک‌پذیری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران، دریافتند شرکت‌هایی که از اطلاعات راهبردی در کنترل هزینه و ارزیابی عملکرد استفاده می‌کنند، در مقایسه با سایر شرکت‌ها از ثبات سودآوری بیشتری برخوردارند و ریسک‌پذیری آن‌ها به‌طور مؤثرتری مدیریت می‌شود. عسکری و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهش خود به بررسی

را بر عملکرد شرکت تعدیل کند. نیک کار و همکاران (۱۳۹۸) نیز به تأثیر استراتژی شرکت، هزینه‌های سیاسی و قدرت مدیریت بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی اشاره کرده و دریافتند که این عوامل می‌توانند کیفیت اطلاعات حسابداری مدیریت را تحت تأثیر قرار دهند. آن‌ها تأکید کردند که به‌موقع بودن گزارشگری مالی، یکی از شاخص‌های کلیدی کیفیت اطلاعات حسابداری است که می‌تواند تأثیر اطلاعات مدیریتی بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران را تقویت کند.

در سطح بین‌المللی نیز مطالعات متعددی به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. لی و همکاران (۲۰۲۶) در پژوهشی با عنوان «قابلیت دیجیتال، جهت‌گیری استراتژی زیست‌محیطی و عملکرد پایدار سازمانی: یک مدل میانجی‌گری ترتیبی از حسابداری مدیریت زیست‌محیطی و کیفیت تصمیم‌گیری» نشان دادند که قابلیت دیجیتال و جهت‌گیری استراتژی زیست‌محیطی می‌تواند از طریق حسابداری مدیریت زیست‌محیطی و کیفیت تصمیم‌گیری بر عملکرد پایدار سازمانی تأثیر بگذارد. آن‌ها دریافتند که نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک در عصر دیجیتال باید با فناوری‌های نوین ترکیب شود تا بتواند اثربخشی خود را حفظ کند و شرکت‌هایی که از قابلیت‌های دیجیتال بالاتری برخوردارند، عملکرد پایدار بهتری دارند. الشهرانی و حکیم (۲۰۲۶) در پژوهشی با عنوان «پیشبرد عملکرد سازمانی پایدار از طریق حسابداری مدیریت پایداری مبتنی بر دیجیتال: یک بررسی تجربی» به بررسی نقش فناوری‌های دیجیتال در افزایش اثربخشی حسابداری مدیریت پرداختند و دریافتند که شرکت‌هایی که از قابلیت‌های دیجیتال در سیستم‌های حسابداری مدیریت خود استفاده می‌کنند، عملکرد مالی و پایداری بهتری دارند. آن‌ها تأکید کردند که دیجیتالی‌سازی می‌تواند دقت، سرعت و جامعیت اطلاعات حسابداری مدیریت را افزایش دهد و این امر به تصمیم‌گیری بهتر و عملکرد مالی برتر منجر می‌شود. ناسیوشن و همکاران

(۲۰۲۶) نیز با رویکردی فراتر از اعداد مالی در پژوهشی با عنوان «فراتر از اعداد مالی: نقش حسابداری سبز، افشای ESG و شفافیت دیجیتال در افزایش ارزش شرکت در اقتصاد پایداری» به بررسی نقش حسابداری سبز، افشای ESG (زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی) و شفافیت دیجیتال در افزایش ارزش شرکت پرداختند. آن‌ها نشان دادند که نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک می‌تواند از طریق ترکیب اطلاعات مالی و غیرمالی، ارزش شرکت را در اقتصاد پایدار افزایش دهد و شفافیت دیجیتال به‌عنوان یک تسهیل‌کننده کلیدی در این فرآیند عمل می‌کند. آن‌ها دریافتند که شرکت‌هایی که اطلاعات ESG را به‌طور شفاف گزارش می‌کنند و از فناوری‌های دیجیتال برای افزایش شفافیت استفاده می‌کنند، ارزش بازار بالاتری دارند. الشراری (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «تعامل حسابداری مدیریت استراتژیک، استراتژی کسب‌وکار و تغییر سازمانی: تحت تأثیر نظریه پیکربندی» نتیجه گرفت که در محیط‌های اقتصادی بی‌ثبات، نقش نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک در کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و افزایش انعطاف‌پذیری مالی شرکت‌ها پررنگ‌تر می‌شود و این سیستم می‌تواند به‌عنوان یک ابزار کلیدی در مدیریت تغییرات سازمانی عمل کند. نتایج بیان کرد که؛ که نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک باید با استراتژی کسب‌وکار و تغییرات سازمانی هم‌راستا باشد تا بتواند بیشترین اثربخشی را داشته باشد. تین و هانگ (۲۰۲۳) با بررسی شرکت‌های صنعتی آسیایی در پژوهشی با عنوان «سرمایه فکری و کارایی سرمایه‌گذاری: نقش میانجی‌گری رویه‌های حسابداری مدیریت استراتژیک» دریافتند که اطلاعات حسابداری مبتنی بر تحلیل رقبا و مدیریت هزینه راهبردی، تأثیر مستقیمی بر کارایی سرمایه‌گذاری و سودآوری شرکت‌ها دارد و این تأثیر از طریق بهبود کیفیت تصمیم‌گیری مدیریتی صورت می‌پذیرد. آن‌ها تأکید کردند که سرمایه فکری به‌عنوان یک منبع نامشهود، می‌تواند اثربخشی رویه‌های حسابداری

تقویت می‌کند. آن‌ها نشان دادند که شرکت‌های دارای استراتژی رقابتی قوی و قابلیت‌های فناوری اطلاعات پیشرفته، بهره بیشتری از اطلاعات مدیریتی می‌برند و این امر به عملکرد مالی برتر آن‌ها منجر می‌شود. همچنین، آن‌ها دریافتند که قابلیت فناوری اطلاعات به‌عنوان یک متغیر کلیدی، می‌تواند اثربخشی نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک را افزایش دهد و شرکت‌هایی که در فناوری‌های اطلاعاتی سرمایه‌گذاری بیشتری دارند، نتایج بهتری از سیستم‌های حسابداری مدیریت خود کسب می‌کنند. ما و همکاران (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای بر روی شرکت‌های کوچک و متوسط در چین با عنوان «حسابداری مدیریت استراتژیک در شرکت‌های کوچک و متوسط در کشورها و بازارهای نوظهور: مطالعه موردی از چین» نشان دادند که عوامل فرهنگی و ساختاری می‌توانند بر اثربخشی حسابداری مدیریت استراتژیک تأثیر بگذارند و پیشنهاد کردند که شرکت‌ها باید نظام‌های اطلاعاتی خود را با شرایط محیطی خاص خود تطبیق دهند. آن‌ها دریافتند که در شرکت‌های کوچک و متوسط، ساختار غیررسمی و فرهنگ سازمانی می‌تواند هم‌چنان یک مانع یا تسهیل‌کننده برای پیاده‌سازی مؤثر نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک باشد.

با وجود نتایج مثبت اغلب پژوهش‌ها، برخی مطالعات نیز به وجود محدودیت‌ها و ناهمگونی در یافته‌ها اشاره کرده‌اند. برخی پژوهشگران معتقدند که اثربخشی نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک به عواملی نظیر فرهنگ سازمانی، سبک رهبری، سطح بلوغ فناوری و ساختار مالکیت شرکت بستگی دارد و در همه صنایع به نتایج یکسان منجر نمی‌شود (ما و همکاران، ۲۰۲۲؛ الشهرانی و حکیم، ۲۰۲۶). همچنین، در بخشی از مطالعات مشاهده شده است که ضعف در کیفیت داده‌ها، تأخیر در گزارشگری یا نبود سیستم‌های یکپارچه اطلاعاتی می‌تواند کارایی این اطلاعات را کاهش دهد و حتی تصمیم‌گیری‌های مالی را با خطا همراه

مدیریت استراتژیک را افزایش دهد و شرکت‌هایی که سرمایه‌گذاری بالاتری دارند، از این رویه‌ها بهره بیشتری می‌برند. آستوتی و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «دقت استراتژیک: بررسی تأثیر تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک بر تصمیمات کارایی سرمایه‌گذاری با تمرکز بر نقش تعدیل‌گر کنترل کیفیت عملیات در شرکت‌های تولیدی اندونزی» بیان کردند که استفاده از فناوری‌های هوشمند در پردازش اطلاعات حسابداری می‌تواند دقت تصمیم‌های مدیریتی را افزایش داده و عملکرد مالی را بهبود بخشد. آن‌ها نشان دادند که کنترل کیفیت عملیات به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌گر می‌تواند تأثیر تکنیک‌های حسابداری مدیریت استراتژیک بر کارایی سرمایه‌گذاری را تقویت کند. این پژوهش نشان داد که در شرکت‌های تولیدی که کنترل کیفیت عملیات قوی‌تری دارند، تأثیر اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک بر تصمیمات سرمایه‌گذاری بیشتر است. اوپو و (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «عوامل زمینه‌ای تعدیل‌کننده تأثیر حسابداری مدیریت استراتژیک بر مزیت رقابتی» بر روی شرکت‌های فعال در بازارهای نوظهور نشان داد که استفاده گسترده از نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک با افزایش بازده سرمایه‌گذاری و کاهش عدم‌اطمینان تصمیم‌گیری همراه است. این پژوهش تأکید داشت که عوامل زمینه‌ای مانند فرهنگ سازمانی، ساختار مالکیت و سطح رقابت صنعتی می‌توانند شدت این رابطه را تعدیل کنند. اوپو دریافت که در بازارهای نوظهور که عدم‌اطمینان محیطی بالاست، نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای کاهش ریسک و افزایش شفافیت تصمیم‌گیری عمل کند. مارپائونگ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «تأثیر حسابداری مدیریت استراتژیک و قابلیت فناوری اطلاعات بر عملکرد شرکت با میانجی‌گری مزیت رقابتی پایدار» تأکید کردند که مزیت رقابتی پایدار، رابطه میان حسابداری مدیریت استراتژیک و عملکرد مالی را

سازد. برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که در صنایع با فناوری پایین یا در شرکت‌های با ساختار مدیریتی سنتی، اثر اطلاعات استراتژیک بر عملکرد مالی ممکن است کمتر از حد انتظار باشد. این تفاوت در نتایج نشان می‌دهد که هنوز اجماع کاملی درباره میزان و نحوه اثرگذاری نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک بر عملکرد مالی وجود ندارد و ضرورت انجام مطالعات مروری و تلفیقی بیش از پیش احساس می‌شود.

جدول ۱. خلاصه مطالعات داخلی مرتبط با نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک

پژوهشگر	سال	موضوع پژوهش	مهم‌ترین یافته
حسین پور و احمدی	۱۴۰۵	بررسی تأثیر مدیریت وجوه نقد بر عملکرد مالی شرکت با نقش تعدیلی مدیریت ریسک	مدیریت وجوه نقد و مدیریت ریسک، نقش تعدیلی مهمی در رابطه میان اطلاعات مدیریتی و عملکرد مالی شرکت‌ها ایفا می‌کنند.
ابراهیمی و همکاران	۱۴۰۴	نقش جریان نقد آزاد بر رابطه توانایی رهبری مدیران و رشد اقتصادی شرکت	جریان نقد آزاد به عنوان متغیر میانجی در اثربخشی اطلاعات حسابداری مدیریت عمل می‌کند.
خرم دل و همکاران	۱۴۰۴	ارزیابی تأثیر رویه های حسابداری مدیریت بر خلق ارزش شرکت با تأکید بر عوامل اقتضایی	رویه های حسابداری مدیریت در چارچوب استراتژیک، بر خلق ارزش شرکت تأثیر معناداری دارد.
آبرود و همکاران	۱۴۰۳	بررسی تأثیر سرمایه عملیاتی و نگهداری وجوه نقد بر عملکرد مالی	مدیریت بهینه وجوه نقد و سرمایه عملیاتی، اثر اطلاعات حسابداری مدیریت را بر عملکرد مالی تقویت می‌کند.
منصور خانی و همکاران	۱۴۰۳	تحلیل حساسیت تکنیک های نوآورانه در بهبود معیارهای نوین و سنتی عملکرد	به کارگیری روش های نوین حسابداری مدیریت، دقت ارزیابی عملکرد را به طور قابل توجهی افزایش می‌دهد.
کریمی و اصغری	۱۴۰۳	بررسی تأثیر ویژگی های مدیریت های استراتژی های مالی بر ریسک پذیری شرکت ها	شرکت های استفاده کننده از اطلاعات راهبردی، ثبات سودآوری بیشتری دارند و ریسک پذیری آن ها مؤثرتر مدیریت می‌شود.

پژوهشگر	سال	موضوع پژوهش	مهم‌ترین یافته
عسکری و همکاران	۱۴۰۳	تصاحب و ادغام اجتماعی شرکت بر عملکرد مالی	میان کیفیت اطلاعات حسابداری و ارزش بازار شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
عسکری آلوچ و همکاران	۱۴۰۲	تأثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد مالی با تأکید بر نقش تعدیل گری احساسات سرمایه گذار	توانمندی فناوریانه و کیفیت کنترل داخلی، شدت تأثیر نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک بر عملکرد مالی را افزایش می‌دهد.
سجادی و همکاران	۱۴۰۱	ارزیابی عملکرد بلند مدت بانک های تجاری بر رویکرد مزیت رقابتی پایدار	بهره گیری از ابزارهای حسابداری مدیریت استراتژیک موجب بهبود کیفیت تصمیم گیری و افزایش بازده دارایی ها می‌شود.
نیک کار و همکاران	۱۳۹۸	تأثیر استراتژی شرکت، هزینه های سیاسی و قدرت مدیریت بر به موقع بودن گزارشگری مالی	به موقع بودن گزارشگری مالی، تأثیر اطلاعات مدیریتی بر تصمیم گیری و افزایش بازده سرمایه گذاران را تقویت می‌کند.

جدول ۲. خلاصه مطالعات خارجی مرتبط با نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک

پژوهشگر	سال	موضوع پژوهش	مهم‌ترین یافته
Nasution et al	۲۰۲۶	نقش حسابداری سبز، افشای ESG و شفافیت دیجیتال	ترکیب اطلاعات مالی و غیرمالی، ارزش شرکت را در اقتصاد پایدار افزایش می‌دهد
Babajide Oyewo	۲۰۲۶	مدیریت نوسانات نرخ ارز از طریق حسابداری مدیریت استراتژیک	شرکت‌هایی که استفاده بیشتری از SMA دارند، در شرایط نوسان نرخ ارز، مزیت رقابتی قوی‌تری از خود نشان می‌دهند
Alshahrani & Hakim	۲۰۲۶	پیشبرد عملکرد سازمانی پایدار از طریق حسابداری مدیریت پایدار مبتنی بر دیجیتال	دیجیتالی‌سازی، دقت، سرعت و جامعیت اطلاعات حسابداری مدیریت پایدار را

پژوهشگر	سال	موضوع پژوهش	مهم ترین یافته
			عملکرد شرکت دارد.
Omar Fareed Shaqqour	۲۰۲۵	تأثیر تلفیق حسابداری مدیریت و استراتژیک بر تصمیم گیری مالی عملکرد مالی در شرکت های صنعتی	بکارگیری نتایج حسابداری مدیریت استراتژیک بر تصمیم گیری مدیران سازمان تأثیر مثبت معناداری بر عملکرد مالی شرکتهای صنعتی دارد
Lilis Puspitawati et al.	۲۰۲۴	افزایش کارایی موجودی: نقش حسابداری مدیریت استراتژیک و سیستم های اطلاعات حسابداری مدیریت یکپارچه	SMA و MAIS یکپارچه با ارائه اطلاعات دقیق و به موقع، کارایی مدیریت موجودی و عملکرد کسب و کار را بهبود می بخشند.
Kordani et al.	۲۰۲۴	بررسی تأثیر حسابداری مدیریت استراتژیک بر عملکرد سیستم اطلاعات حسابداری با نقش تعدیل گر الزامات نظام راهبری شرکتی	مؤلفه های پایش عوامل محیطی، تحلیل رقبا، برنامه ریزی استراتژیک و ارزیابی استراتژیک تأثیر مثبت بر معناداری بر عملکرد سیستم اطلاعات حسابداری با نقش
پژوهشگر	سال	موضوع پژوهش	مهم ترین یافته
			افزایش می دهد.
Li et al	۲۰۲۶	قابلیت دیجیتال، جهت گیری استراتژی و زیست محیطی و عملکرد پایدار سازمانی	قابلیت دیجیتال از طریق حسابداری مدیریت زیست محیطی بر عملکرد پایدار سازمانی تأثیر می گذارد.
O.G. Oyeyemi et al.	۲۰۲۵	رویه های حسابداری مدیریت استراتژیک و ایجاد ارزش برای سهامداران در بانک های تجاری پذیرفته شده در نیجریه	استفاده از رویه های حسابداری منجر به ایجاد ارزش بیشتر برای سهامداران در بانکهای تجاری ایجاد می نماید.
Xialiang Yao	۲۰۲۵	عوامل اقتضایی مانند عدم اطمینان محیطی (به ویژه تلاطم بازار)، ساختار غیر متمرکز و فناوری پیشرفته، رابطه مثبت و معناداری با بکارگیری رویه های SMA دارند. همچنین پذیرش استراتژی های مبتنی بر SMA با عملکرد مالی و غیر مالی شرکت ها ارتباط مثبت دارد	عوامل اقتضایی مانند عدم اطمینان محیطی (به ویژه تلاطم بازار)، ساختار غیر متمرکز و فناوری پیشرفته، رابطه مثبت و معناداری با بکارگیری رویه های SMA دارند. همچنین پذیرش استراتژی های مبتنی بر SMA با عملکرد مالی و غیر مالی شرکت ها ارتباط مثبت دارد
Bertha Belolan et al.	۲۰۲۵	تأثیر حسابداری مدیریت استراتژیک بر بهبود عملکرد شرکت با نقش میانجی کیفیت تصمیم گیری	بررسی ۱۵۰ شرکت کوچک و متوسط (SME) در اندونزی نشان می دهد که SMA تأثیر مثبت بر کیفیت تصمیم گیری و



پژوهشگر	سال	موضوع پژوهش	مهم ترین یافته
Marpaung et al	۲۰۲۲	تأثیر حسابداری مدیریت استراتژیک و قابلیت فناوری اطلاعات بر عملکرد شرکت	مزیت رقابتی پایدار، رابطه میان حسابداری مدیریت استراتژیک و عملکرد مالی را تقویت می کند
Oyewo et al	۲۰۲۲	عوامل زمینه ای تعدیل کننده تأثیر حسابداری مدیریت استراتژیک بر مزیت رقابتی	استفاده گسترده از نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک با افزایش بازده سرمایه گذاری و کاهش عدم اطمینان همراه است.
K. Hannimitkulchai	۲۰۲۱	رابطه علی رویه های حسابداری مدیریت استراتژیک، توسعه سرمایه فکری و موفقیت شرکت	استفاده از فرایندهای حسابداری مدیریت استراتژیک موجب توسعه سرمایه های فکری و عملکرد مالی شرکت میگردد

پژوهشگر	سال	موضوع پژوهش	مهم ترین یافته
			تعدیل گر نظام راهبری شرکتی دارند.
Alsharari	۲۰۲۴	تعامل حسابداری مدیریت استراتژیک، استراتژی کسب و کار و تغییر سازمانی	در محیط های اقتصادی بی ثبات، نقش نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک در کاهش ریسک سرمایه گذاری پررنگ تر می شود
Astuty	۲۰۲۳	بررسی تأثیر تکنیک های حسابداری مدیریت استراتژیک بر تصمیمات کارایی سرمایه گذاری	کنترل کیفیت عملیات، تأثیر تکنیک های حسابداری مدیریت استراتژیک بر کارایی سرمایه گذاری را تقویت می کند.
& Thien Hung	۲۰۲۳	سرمایه فکری و کارایی سرمایه گذاری: نقش میانجی گری رویه های حسابداری مدیریت استراتژیک	اطلاعات مبتنی بر تحلیل رقبا و مدیریت هزینه راهبردی، تأثیر مستقیم بر کارایی سرمایه گذاری و سودآوری دارد
Ma et al	۲۰۲۲	حسابداری مدیریت استراتژیک در شرکت های کوچک و متوسط در کشورهای نوظهور	عوامل فرهنگی و ساختاری بر اثربخشی حسابداری مدیریت استراتژیک تأثیر می گذارند

محدود به سودآوری نمانده و ابعادی چون رشد فروش، جریان نقد عملیاتی، بازده دارایی‌ها و ارزش بازار را نیز دربر گرفته است (عسکری و همکاران، ۱۴۰۳؛ آستوتی و همکاران، ۲۰۲۳).

از نظر پراکندگی موضوعی نتایج، بیشترین حجم مطالعات به بررسی رابطه مستقیم میان نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک و شاخص‌های عملکرد مالی اختصاص داشته است. در این دسته از پژوهش‌ها، به‌ویژه در بستر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس، چنین گزارشی شده که استفاده از داده‌های تحلیلی و راهبردی، مدیران را در سنجش دقیق‌تر طرح‌های سرمایه‌گذاری، هدایت منابع به‌سوی حوزه‌های پربازده‌تر و اجتناب از سرمایه‌گذاری‌های کم‌بازده یا پرریسک یاری می‌کند (سجادی و همکاران، ۱۴۰۱؛ تین و هانگ، ۲۰۲۳). در تعداد قابل توجهی از این مطالعات، بازده سرمایه‌گذاری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ثمرات به‌کارگیری اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک معرفی شده است و نشان داده شده که این نوع اطلاعات، از مسیر کاهش ابهام و افزایش شفافیت در تصمیمات، بر نرخ بازگشت سرمایه اثری مثبت می‌گذارد؛ به این معنا که نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک صرفاً کارکردی گزارشگرانه ندارد، بلکه به سازوکاری برای هدایت سرمایه به‌سمت گزینه‌های بهینه‌تر تبدیل می‌شود (مارپائونگ و همکاران، ۲۰۲۲؛ ما و همکاران، ۲۰۲۲).

از دیگر یافته‌های قابل توجه این پژوهش، نقش میانجی و تعدیل‌گر برخی متغیرها در تشدید یا تضعیف اثر نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک است. برای نمونه، در مطالعاتی که کیفیت کنترل داخلی، قابلیت‌های فناوریانه، مزیت رقابتی و سبک رهبری مدیران را بررسی کرده‌اند، مشخص شده که این عوامل می‌توانند اثر مثبت اطلاعات راهبردی بر عملکرد مالی را تقویت کنند (میرزازاده و همکاران، ۱۴۰۲؛ لی و همکاران، ۲۰۲۶). در مقابل، در شرکت‌هایی که با ساختار اطلاعاتی ضعیف، تأخیر در گزارش‌دهی یا عدم یکپارچگی داده‌ها مواجه‌اند، این تأثیر

مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک در اغلب پژوهش‌ها به‌عنوان عاملی مؤثر بر بهبود عملکرد مالی، افزایش بازده سرمایه‌گذاری و ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری معرفی شده است؛ با این حال، تفاوت در شرایط محیطی، ویژگی‌های سازمانی و روش‌های اندازه‌گیری موجب شده است نتایج مطالعات همواره یکسان نباشد. ازاین‌رو، انجام پژوهش‌های مروری کمی می‌تواند با یکپارچه‌سازی یافته‌های پراکنده، تصویری روشن‌تر از روندهای موجود و شکاف‌های پژوهشی ارائه دهد و زمینه را برای توسعه مدل‌های تحلیلی دقیق‌تر در حوزه حسابداری مدیریت استراتژیک فراهم سازد (اوونو، ۲۰۲۲؛ الشرای، ۲۰۲۴).

۵. یافته‌های پژوهش

جمع‌بندی حاصل از مرور نظام‌مند و تحلیل کمی پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک، در بخش عمده‌ای از مطالعات انجام‌شده، اثری مثبت و معنی‌دار بر بهبود بازده سرمایه‌گذاری و ارتقای عملکرد مالی بنگاه‌های اقتصادی برجای گذاشته است. به بیان دیگر، الگوی مشترک میان یافته‌ها گویای آن است که هرچه اطلاعات حاصل از حسابداری مدیریت از دقت، به‌هنگام‌بودن، پوشش کامل و نگاه آینده‌نگرانه بیشتری برخوردار باشد، فرآیند تصمیم‌گیری مدیران نیز کیفیت بالاتری می‌یابد و به‌تبع آن، تخصیص منابع کاراتر می‌شود، هزینه‌ها بهتر مهار می‌شوند، طرح‌های سرمایه‌گذاری با دقت بیشتری گزینش می‌شوند و مدیریت ریسک بهبود می‌یابد (خرم‌دل ماسوله و همکاران، ۱۴۰۴؛ اویوو، ۲۰۲۲). تحلیل کمی مطالعات منتخب همچنین نشان می‌دهد این تأثیر در شرکت‌هایی که از ساختار مدیریتی چابک‌تر، نظام کنترل داخلی کارآمدتر و سطح فناوری پیشرفته‌تری برخوردارند، به‌مراتب پررنگ‌تر ظاهر می‌شود. علاوه بر این، در مطالعاتی که عملکرد مالی را با شاخص‌های متعدد سنجیده‌اند، دامنه اثرگذاری نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک

مثبت و معنی دار نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک بر عملکرد مالی و بازده سرمایه گذاری شرکت هاست			
در این گروه از مطالعات، جهت اثر مثبت گزارش شده، اما به دلایلی چون محدودیت حجم نمونه، کوتاه بودن بازه زمانی یا شرایط زمینه ای، به سطح معنی داری آماری نرسیده است.	۱۱.۹٪	۵	مثبت ولی غیرمعتادار
در یک مورد استثنایی، اثری معکوس و معتادار مشاهده شده که عمدتاً ناشی از ضعف زیرساخت های اطلاعاتی و فناوری بوده است.	۲.۴٪	۱	منفی و معتادار
اثر منفی گزارش شده در این مطالعه بسیار جزئی بوده و از اعتبار آماری کافی برخوردار نیست.	۲.۴٪	۱	منفی ولی غیرمعتادار
در برخی صنایع خاص با شرکت های دارای ساختار سستی تر، رابطه مستقیم و معتاداری میان دو متغیر شناسایی نشده است	۴.۷٪	۲	بدون رابطه
الگوی غالب: تأثیر مثبت و معتادار نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک	۱۰۰٪	۴۲	کل

جدول ۴. مهم ترین متغیرهای میانجی و تعدیل گر در مطالعات

پیشین

متغیر	نقش در مدل	تأثیر بر رابطه اصلی	جمع بندی
کیفیت افشای اطلاعات مالی	میانجی/تعدیل گر	تقویت کننده	با افزایش شفافیت گزارش های مالی، اعتماد سرمایه گذاران و دقت تصمیم های سرمایه گذاری را بالا می برد.
زیر ساخت های فناوری اطلاعات	تعدیل گر	تقویت کننده	امکان پردازش سریع تر و دقیق تر داده های راهبردی را فراهم کرده و کیفیت تحلیل های مدیریتی را ارتقا می دهد.
توانمندی نوآوری سازمانی	میانجی	تقویت کننده	از طریق ایجاد محصولات و فرایندهای متمایز، ارتباط میان اطلاعات راهبردی و عملکرد مالی را تقویت می کند.
تجربه و	تعدیل گر	تقویت کننده	توان تفسیر و به کارگیری صحیح اطلاعات راهبردی در

کمرنگ تر گزارش شده است؛ نکته ای که نشان می دهد صرف وجود اطلاعات راهبردی کافی نیست و کیفیت زیرساخت اطلاعاتی و توان تحلیلی سازمان نیز در دستیابی به نتایج مطلوب نقش تعیین کننده ای دارد (الشرازی، ۲۰۲۴؛ اوویو، ۲۰۲۲). افزون بر این، برخی پژوهش ها نشان داده اند که در شرایط عدم اطمینان بالا، ارزش اطلاعات راهبردی دوچندان می شود، چرا که به مدیران امکان می دهد تصمیمات خود را بر پایه تحلیل سناریو و ارزیابی ریسک اتخاذ کنند (آستیوتی و همکاران، ۲۰۲۳؛ الشهرانی و حکیم، ۲۰۲۶).

از حیث الگوهای کمی به دست آمده، جهت گیری غالب مطالعات به سمت اثری مثبت و معنی دار بوده، هرچند اندازه این اثر در حوزه های مختلف یکسان نبوده است؛ تفاوتی که عمدتاً ریشه در نوع صنعت، بازه زمانی پژوهش، روش سنجش متغیرها و سطح توسعه یافتگی بازار سرمایه دارد. برای نمونه، در شرکت های تولیدی و صنعتی، پیوند میان نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک و بازده سرمایه گذاری معمولاً قوی تر از شرکت های خدماتی گزارش شده، زیرا در این نوع شرکت ها کنترل هزینه و ارزیابی طرح ها اهمیت بیشتری دارد (کرمی و اصغری، ۱۴۰۳؛ تین و هانگ، ۲۰۲۳). همچنین، مطالعاتی که از داده های تابلویی و مدل های رگرسیونی چندمتغیره استفاده کرده اند، در مقایسه با پژوهش های توصیفی یا مقطعی، نتایجی دقیق تر و قابل اتکا تر ارائه داده اند؛ تفاوتی روش شناختی که یکی از دلایل اصلی ناهمگونی نتایج در پیشینه این موضوع به شمار می رود (منصورخانی و همکاران، ۱۴۰۳؛ عباس حسین پور و حسن احمدی، ۱۴۰۵).

جدول ۳. توزیع فراوانی مطالعات منتخب بر اساس جهت و معتاداری اثر نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک

جهت اثر	تعداد مطالعات	درصد تقریبی	تفسیر
مثبت و معتادار	۳۳	۷۸.۶٪	بخش قابل توجهی از مطالعات مورد بررسی، مؤید اثرگذاری

بازده حقوق صاحبان سهام	مالی	ارزیابی سودآوری سرمایه سهامداران	بهبود معنادار
رشد فروش	مالی/عملیاتی	سنجش توسعه بازار	بهبود نسبی
جریان نقد عملیاتی	مالی	ارزیابی پایداری نقدینگی	بهبود معنادار
ارزش بازار شرکت	مالی	برآورد واکنش بازار	افزایش در برخی مطالعات
نسبت های سودآوری	مالی	سنجش عملکرد کلی	اثر مثبت غالب
کارایی سرمایه گذاری	راهبردی	سنجش کیفیت تخصیص منابع	بهبود قابل توجه
ارزش سهام	راهبردی	برآورد مدیریت ریسک سهام	کاهش ریسک

این جدول نشان می‌دهد که پژوهش‌های پیشین تنها بر سود خالص یا بازده کلاسیک تمرکز نکرده‌اند، بلکه مجموعه‌ای از شاخص‌های مالی و عملیاتی را برای سنجش اثر اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک به کار گرفته‌اند. در بیشتر مطالعات، این اطلاعات با بهبود کارایی سرمایه‌گذاری و شاخص‌های سودآوری همراه بوده است.

۶. تحلیل مطالعات پیشین

نتایج به‌دست‌آمده از این مطالعات، به‌روشنی از وجود پیوندی راهبردی میان نظام اطلاعات حسابداری مدیریت و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس حکایت دارد؛ پیوندی که از منظرهای نظری متعددی قابل تفسیر است. واکاوی دقیق‌تر یافته‌ها نشان می‌دهد که «نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک» را دیگر نباید صرفاً ابزاری در معنای سنتی حسابداری تلقی کرد؛ بلکه این نظام، در قامت یک دارایی نامشهود و منبعی راهبردی عمل می‌کند که بر اساس «دیدگاه مبتنی بر منابع»، توان خلق مزیت رقابتی پایدار را داراست. در واقع، جهت‌دار و مثبت‌بودن این رابطه در اکثر پژوهش‌های بررسی‌شده، ریشه در این واقعیت دارد که اطلاعات دقیق، به‌هنگام و آینده‌نگر می‌توانند «شکاف اطلاعاتی» میان مدیران و سهامداران را کاهش داده

تخصیص تیم مدیریتی			تصمیم‌گیری‌های سازمانی را افزایش می‌دهد.
نوسانات اقتصاد کلان	تعدیل گر	وابسته به شرایط	در دوره‌های رکود یا بی‌ثباتی اقتصادی، اهمیت اطلاعات راهبردی برای مدیریت ریسک دوچندان می‌شود.
هماهنگی میان بخش‌های سازمان	میانجی	تقویت‌کننده	جریان اطلاعات میان واحدهای مختلف را روان‌تر کرده و از هدررفت داده‌های راهبردی جلوگیری می‌کند.
اندازه شرکت	تعدیل گر	متغیر	میزان اثرگذاری اطلاعات راهبردی بر عملکرد مالی، بسته به بزرگی یا کوچکی شرکت متفاوت است.
فرهنگ سازمانی داده‌محور	تعدیل گر	تقویت‌کننده	پذیرش و کاربست اطلاعات تحلیلی را در فرایندهای تصمیم‌گیری روزمره سازمان تسهیل می‌کند.
سطح توسعه یافتگی بازار سرمایه	تعدیل گر	تقویت‌کننده	در بازارهای سرمایه توسعه‌یافته‌تر، حساسیت بازده سرمایه‌گذاری به کیفیت اطلاعات راهبردی بیشتر است.

یافته‌های جدول فوق، بیان می‌کند که بهره‌برداری مؤثر از نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک، در گروهی تقویت هم‌زمان زیرساخت فناوری، توانمندی نوآوری و انسجام سازمانی است. به عبارت دیگر، صرفاً استقرار این نظام اطلاعاتی برای دستیابی به نتایج مطلوب کافی نیست؛ بلکه شرکت‌هایی که بتوانند این متغیرهای میانجی و تعدیل‌گر را به‌درستی هدایت و مدیریت کنند، قادر خواهند بود اثرگذاری اطلاعات راهبردی را بر بازده سرمایه‌گذاری و عملکرد مالی خود به حداکثر برسانند.

جدول ۵. شاخص‌های عملکردی مورد استفاده در مطالعات پیشین

شاخص	ماهیت	کاربرد در پژوهش‌ها	نتیجه
بازده دارایی‌ها	مالی	سنجش کارایی استفاده از منابع	بهبود معنادار

و شفافیت تصمیم‌گیری‌های کلانی چون سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و مدیریت جریان‌های نقدی را افزایش دهند (میرزازاده و همکاران، ۱۴۰۲).

با این حال، نکته‌ای که سزاوار تأمل بیشتر است آن است که قدرت این رابطه در همه شرایط یکسان نیست و به شدت متأثر از متغیرهای زمینه‌ای گوناگون است. شرکت‌هایی که از انعطاف‌پذیری ساختاری بالاتر، کیفیت مطلوب‌تر کنترل‌های داخلی و سطح پیشرفته‌تری از بلوغ فناوریانه برخوردارند، اثربخشی به‌مراتب بیشتری از نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک کسب می‌کنند. این مشاهده نشان می‌دهد که صرفاً در دسترس بودن اطلاعات راهبردی برای تحقق پیامدهای مطلوب کافی نیست، بلکه زیرساخت‌های سازمانی و مدیریتی نقشی کاتالیزورگونه در تبدیل داده‌ها به مزیت رقابتی ایفا می‌کنند؛ به بیان دیگر، سازمان‌های توسعه‌یافته‌تر با نظام کنترل داخلی کارآمد، از اطلاعات حسابداری مدیریت به‌مثابه «نقشه راه» در مسیر تخصیص بهینه منابع و کاهش هزینه‌ها بهره می‌گیرند (چن هال، ۲۰۰۳؛ الشهرانی و حکیم، ۲۰۲۶).

نکته دیگری که شایان توجه است، اینکه محیط‌های اقتصادی توأم با نوسان و بی‌ثباتی، ارزش اطلاعات راهبردی را دوجندان می‌کنند و ضرورت تکیه بر نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک را بیش‌ازپیش برجسته می‌سازند. در چنین بسترهایی که ابهام و ریسک بر فضای تصمیم‌گیری سایه افکنده‌اند، توانایی تحلیل سناریو و پیش‌بینی پیامدهای محتمل، وجه تمایز اصلی شرکت‌های موفق از ناموفق به‌شمار می‌رود (آتلی، ۲۰۱۶؛ الشراری، ۲۰۲۴). این یافته با نظریه اقتضایی نیز سازگار است؛ چراکه اثربخشی نظام‌های حسابداری مدیریت، به شدت تابع شرایط پیرامونی و محیط عملیاتی سازمان‌هاست و در هر بستری، پیکربندی خاصی از ابزارها و رویه‌ها می‌تواند کارآمدتر باشد (فیشر، ۱۹۹۵؛ ما و همکاران، ۲۰۲۲).

افزون بر این، ناهمگونی قابل‌ملاحظه‌ای در اندازه اثر مطالعات مشاهده می‌شود که عمدتاً برخاسته از تفاوت‌های

روش‌شناختی، تنوع صنعتی و بازه‌های زمانی متفاوت است. پژوهش‌های صورت گرفته در صنایع تولیدی، با تمرکز بر کنترل هزینه و بهینه‌سازی فرایندها، پیوندی قوی‌تر میان اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک و بازده سرمایه‌گذاری نشان داده‌اند؛ حال آنکه در صنایع خدماتی، با توجه به ماهیت نامشهودتر فرآیند ارزش‌آفرینی، این پیوند با شدت کمتری ظاهر شده است (کرمی و اصغری، ۱۴۰۳؛ تین و هانگ، ۲۰۲۳). این مشاهدات تأییدی است بر اینکه نوع صنعت، به‌عنوان یک متغیر زمینه‌ای، می‌تواند نقش تعدیل‌گر مهمی در توان تبیین‌کنندگی مدل‌های مفهومی این حوزه ایفا کند. تحلیل جامع یافته‌ها گویای آن است که نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک را نباید ابزاری منفعل برای ثبت رویدادهای مالی دانست؛ بلکه این نظام، همچون موتور محرکی برای بهبود مستمر کیفیت تصمیمات مدیریتی و آفرینش ارزش در آینده شرکت‌ها عمل می‌کند. با فراهم ساختن بستری مناسب برای تحلیل چندبعدی عملکرد، شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و مدیریت ریسک‌های محیطی، این نظام می‌تواند نقشی بی‌بدیل در ارتقای مزیت رقابتی و بهبود عملکرد مالی سازمان‌های فعال در بازار سرمایه ایفا کند (مارپائونگ و همکاران، ۲۰۲۲؛ ناسوتیون و همکاران، ۲۰۲۶).

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با رویکرد مروری نظام‌مند و کمی، و از طریق تحلیل و مطالعه ۴۲ پژوهش معتبر داخلی و بین‌المللی، نشان داد که نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک فراتر از یک ابزار گزارشگری سنتی عمل می‌کند و در نقش بازویی تحلیلی و راهبردی، کیفیت تصمیم‌گیری‌های مالی را در محیط رقابتی بازار سرمایه به‌طور معناداری ارتقا می‌دهد (خرم‌دل ماسوله و همکاران، ۱۴۰۴؛ اویوو، ۲۰۲۲؛ مارپائونگ و همکاران، ۲۰۲۲). یافته‌ها نشان داد این نظام از چهار مسیر اصلی بر بازده سرمایه‌گذاری اثر می‌گذارد: بهبود کیفیت تصمیم‌گیری (سایمون، ۱۹۹۷؛ دراگر، ۱۹۹۵)،

پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دهه

۹۰ شمسی. *اقتصاد پولی مالی*، ۲۳۵-۲۵۷.

- ابراهیمی، سید کاظم، امری اسرمی، توزنده جانی، حق دوست. (۱۴۰۴). نقش جریان نقد آزاد شرکت بر رابطه بین توانایی رهبری مدیران و مخارج بازاریابی و فروش بر رشد اقتصادی شرکت. *مدیریت تبلیغات و فروش*، ۶(۲)، ۷۷-۹۱.

- خرم دل ماسوله، ناظمی، امین، نمازی، نویدرضا. (۱۴۰۴). ارزیابی تأثیر رویه های حسابداری مدیریت بر خلق ارزش شرکت با تأکید بر عوامل اقتضایی و نقش سرمایه گذاران نهادی. *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ۳۲(۴)، ۶۹۰-۶۵۱.

- سجادی، حمیدیان، اسماعیل زاده مقری. (۱۴۰۱). ارزیابی عملکرد بلندمدت بانک های تجاری مبتنی بر رویکرد مزیت رقابتی پایدار با تأکید بر نقش کارایی مدیریت: رویکردی مبتنی بر مقایسه بانک های دولتی و خصوصی ایران. *دانش سرمایه گذاری*، ۱۱(۴۱)، ۳۸۳-۴۰۳.

- عباس حسین پور، حسن احمدی. (۱۴۰۵). بررسی تأثیر مدیریت وجوه نقد بر عملکرد مالی شرکت با نقش تعدیلی مدیریت ریسک در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری*، ۹(۳۴)، ۱۲۳۴-۱۲۵۱.

- عباس حسین پور، حسن احمدی. (۱۴۰۵). بررسی تأثیر مدیریت وجوه نقد و مدیریت ریسک بر عملکرد مالی شرکت در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری*، ۹(۳۴)، ۱۲۱۴-۱۲۳۳.

کاهش عدم تقارن اطلاعاتی (ایزنهارت، ۱۹۸۹؛ فاما و جنسن، ۱۹۸۳)، تخصیص بهینه منابع (مارپائونگ و همکاران، ۲۰۲۲؛ ما و همکاران، ۲۰۲۲) و کنترل ریسک (آتلی، ۲۰۱۶؛ الشراری، ۲۰۲۴)، و از مسیر بهبود سودآوری، رشد درآمد، نقدینگی و ارزش بازار بر عملکرد مالی شرکت ها تأثیر می گذارد (عباس حسین پور و حسن احمدی، ۱۴۰۵؛ عسکری و همکاران، ۱۴۰۳). با این حال، این اثرگذاری پدیده ای خطی و یکسان برای همه شرکت ها نیست، بلکه به شدت تحت تأثیر عوامل اقتضایی ای چون کیفیت کنترل های داخلی، توانمندی فناورانه، کیفیت مدیریت، سبک رهبری، ساختار مالکیت و شدت رقابت صنعتی قرار دارد (چن هال، ۲۰۰۳؛ الشراری، ۲۰۲۴؛ الشهرانی و حکیم، ۲۰۲۶). این یافته ها با شش نظریه بنیادین شامل دیدگاه مبتنی بر منابع، نظریه اقتضایی، نظریه نمایندگی، نظریه تصمیم گیری عقلایی، نظریه کیفیت اطلاعات و نظریه ذی نفعان هم راستاست و بر جامعیت ادبیات پژوهشی در تبیین این نظام اطلاعاتی گواهی می دهد (بارنی، ۱۹۹۱؛ جنسن و مکلینگ، ۱۹۷۶؛ وانگ و استرون، ۱۹۹۶). با توجه به نتایج پژوهش، به مدیران، سیاست گذاران و پژوهشگران حوزه حسابداری مدیریت و مالی توصیه می شود که با توسعه زیرساخت های اطلاعاتی، سرمایه گذاری در فناوری های نوین، آموزش نیروی انسانی و توجه به عوامل اقتضایی، زمینه بهره برداری حداکثری از نظام اطلاعات حسابداری مدیریت استراتژیک را فراهم آورند تا در فضای پیچیده و رقابتی بازار سرمایه بتوانند مزیت رقابتی پایدار خلق کرده و عملکرد مالی خود را ارتقا بخشند (مارپائونگ و همکاران، ۲۰۲۲؛ ناسوتیون و همکاران، ۲۰۲۶؛ خرم دل ماسوله و همکاران، ۱۴۰۴).

منابع

- آبرود، درخشان، عبدالناصر، احمدی فارسانی. (۱۴۰۳). بررسی تاثیر سرمایه عملیاتی و نگهداری وجوه نقد بر عملکرد مالی شرکت های

مدیریت بر به موقع بودن گزارشگری مالی. نشریه

پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۱(۴)، ۸۷-۱۱۰.

- Abdullah, N. A., & Hamid, N. A. (2022). A systematic review of strategic management accounting research: 2010–2020. *Journal of Accounting & Organizational Change*, 18(3), 389-417.
- Alshahrani, A., & Hakim, T. (2026). Advancing sustainable organizational performance through digital-enabled sustainability management accounting: An empirical investigation. *Sustainability*, 18(3), 1349.
- Alsharari, N. M. (2024). The interplay of strategic management accounting, business strategy and organizational change: as influenced by a configurational theory. *Journal of Accounting & Organizational Change*, 20(1), 153-176.
- Astuty, W., Lubis, A., Pasaribu, F., & Rahayu, S. (2023). Strategic precision: exploring the influence of strategic management accounting techniques on investment efficiency decisions with a focus on moderating role of operations quality control in Indonesian manufacturing companies. *Operational Research in Engineering Sciences: Theory and Applications*, 6.(۱)
- Barney, J. (1991). Firm resources and sustained competitive advantage. *Journal of Management*, 17(1), 99-120.
- Belolan, B., Sipi, A. D. S., Haliah, & Darmawati. (2025). How strategic management accounting enhances firm performance: The mediating effect of decision-making quality. *Brazilian Journal*

- عسگری آلودج، مطرباط‌العزیز. (۱۴۰۲). بررسی تاثیر عملکرد اجتماعی شرکت بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با تاکید بر نقش تعدیلگری احساسات سرمایه‌گذار. *پژوهش‌های مالی و رفتاری در حسابداری*، ۹(۳)، ۹۶-۱۱۴.
- عسکری، صدیقه، محمدزاده، عبدالغفور. (۱۴۰۳). تصاحب و ادغام شرکت‌ها و تاثیر آن بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مدیریت، حسابداری و اقتصاد*، ۲۸(۸)، ۱۴۹-۱۵۷.
- کارگر، زنگنه. (۱۳۹۷). تاثیر استراتژی کسب‌وکار بر رابطه بین ریسک‌پذیری و ارزش شرکت. *چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، ۱(۳)، ۲۷-۱۴.
- کرمی، اصغری. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر ویژگی‌های مدیریت و استراتژی‌های مالی بر ریسک‌پذیری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات مالی، ۲۵(۴)، ۵۲۹-۵۵۶.
- منصورخانی، کیانوش، زنجیردار، داوودی‌نصر، ایزدی‌خواه. (۱۴۰۳). تحلیل حساسیت تکنیک‌های نوآورانه در بهبود معیارهای نوین و سستی عملکرد. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۳(۵۱)، ۱۶۹-۱۸۴.
- میرزازاده، یزدانی، شهره، خان‌محمدی، محمد حامد، محمودیان دستتانی. (۱۴۰۲). بررسی نقش میانجی‌گری عوامل مؤثر بر رفتار (ریسک‌پذیری، اعتماد به نفس و تفکر استراتژیک) در رابطه بین هوش هیجانی و کیفیت قضاوت و تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران. دانش سرمایه‌گذاری، ۱۲(۴۸)، ۶۷۰-۶۳۷.
- نیک‌کار، محمدی، اسلام. (۱۳۹۸). تأثیر استراتژی شرکت، هزینه‌های سیاسی و قدرت

- Fisher, J. (1995). Contingency-based research on management control systems: Categorization by level of complexity. *Journal of Accounting Literature*, 14, 24-53.
- Fiss, P. C. (2011). Building better causal theories: A fuzzy set approach to typologies in organization research. *Academy of Management Journal*, 54(2), 393-420.
- Freeman, R. E. (1984). *Strategic Management: A Stakeholder Approach*. Pitman.
- Grant, R. M. (1996). Toward a knowledge-based theory of the firm. *Strategic Management Journal*, 17(S2), 109-122.
- Hannimitkulchai, K. (2021). The causal relationship of strategic management accounting practices, intellectual capital development and firm success. *Journal of Humanities and Social Sciences*, Thonburi University, 15 (2), 143-157.
- Hogarth, R. M., & Makridakis, S. (1981). Forecasting and planning: An evaluation. *Management Science*, 27(2), 115-138.
- Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305-360.
- Kaplan, R. S., & Norton, D. P. (1996). *The Balanced Scorecard: Translating Strategy into Action*. Harvard Business School Press.
- Li, M., Fan, Y., Zhang, X., Amir, M., & Zhang, H. (2026). Digital capability, environmental strategy orientation, and sustainable organizational performance: A sequential mediation model of environmental management of Development, 11 (10), e82841. <https://doi.org/10.34117/bjdv11n10-035>
- Bromwich, M. (1990). The case for strategic management accounting: The role of accounting information for strategy in competitive markets. *Accounting, Organizations and Society*, 15(1-2), 27-46.
- Cadez, S., & Guilding, C. (2008). An exploratory investigation of an integrated contingency model of strategic management accounting. *Accounting, Organizations and Society*, 33(7-8), 836-863.
- Chenhall, R. H. (2003). Management control systems design within its organizational context: Findings from contingency-based research and directions for the future. *Accounting, Organizations and Society*, 28(2-3), 127-168.
- DeLone, W. H., & McLean, E. R. (2003). The DeLone and McLean model of information systems success: A ten-year update. *Journal of Management Information Systems*, 19(4), 9-30.
- Drucker, P. F. (1995). *Managing in a Time of Great Change*. Harvard Business School Press.
- Eisenhardt, K. M. (1989). Agency theory: An assessment and review. *Academy of Management Review*, 14(1), 57-74.
- Epstein, M. J., & Buhovac, A. R. (2014). *Making Sustainability Work: Best Practices in Managing and Measuring Corporate Social, Environmental, and Economic Impacts*. Berrett-Koehler Publishers.
- Fama, E. F., & Jensen, M. C. (1983). Separation of ownership and control. *Journal of Law and Economics**, 26(2), 301-325.

- on competitive advantage. *Journal of Applied Accounting Research*, 23(5), 921-949.
- Oyewo, B. (2026). Managing exchange rate volatility through strategic management accounting: Implications for competitive advantage. *Journal of Risk and Financial Management*, 19 (7), 492. <https://doi.org/10.3390/jrfm19070492>
 - Puspitawati, L., Lhutfi, I., & Qudratov, I. (2024). Enhancing inventory efficiency: The role of strategic management accounting and integrated management accounting information systems. *Cogent Business & Management*, 11 (1), 2429801.
 - Shaqqour, O. F. (2025). The impact of integrating strategic management accounting and decision-making on financial performance in industrial companies. In *Intelligence-Driven Circular Economy: Regeneration Towards Sustainability* (pp. 297–306). Springer.
 - Simmonds, K. (1981). Strategic management accounting. *Management Accounting*, 59(4), 26-29.
 - Simon, H. A. (1997). **Administrative Behavior: A Study of Decision-Making Processes in Administrative Organizations* (4th ed.). Free Press.
 - Strong, D. M., Lee, Y. W., & Wang, R. Y. (1997). Data quality in context. *Communications of the ACM**, 40(5), 103-110.
 - Thien, T. H., & Hung, N. X. (2023). Intellectual capital and investment efficiency: The mediating role of strategic management accounting accounting and decision quality. *Sustainability*, 18(9), 4262.
 - Ma, L., Chen, X., Zhou, J., & Aldieri, L. (2022). Strategic management accounting in small and medium-sized enterprises in emerging countries and markets: A case study from China. *Economies*, 10(4), 74.
 - Marpaung, E. I., Aryati, T., & Augustine, Y. (2022). The influence of strategic management accounting and information technology capability on company performance with sustainable competitive advantage as the mediator. *International Journal of Educational Research & Social Sciences*, 3(5), 2125-2139.
 - Meyer, A. D., Tsui, A. S., & Hinings, C. R. (1993). Configurational approaches to organizational analysis. *Academy of Management Journal*, 36(6), 1175-1195.
 - Modigliani, F., & Miller, M. H. (1958). The cost of capital, corporation finance and the theory of investment. *The American Economic Review*, 48(3), 261-297.
 - Nasution, M. H. A., Ginting, A., & Sidabutar, E. U. B. (2026). Beyond financial numbers: The role of green accounting, ESG disclosure, and digital transparency in enhancing firm value within the sustainability economy. *Golden Ratio of Data in Summary*, 6(2), 422-431.
 - Otley, D. (2016). The contingency theory of management accounting and control: 1980–2014. *Management Accounting Research*, 31, 45-62.
 - Oyewo, B. (2022). Contextual factors moderating the impact of strategic management accounting

- practices. *Cogent Business & Management*, 10(2), 2207879.
- Wang, R. Y., & Strong, D. M. (1996). Beyond accuracy: What data quality means to data consumers. *Journal of Management Information Systems*, 12(4), 5-33.
 - Wernerfelt, B. (1984). A resource-based view of the firm. *Strategic Management Journal*, 5(2), 171-180.
 - Yao, X. (2025). Strategic management accounting practices, contingency factors and performance implications: Evidence from China [Doctoral thesis, University of Wales Trinity Saint David].